

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پیه اسکوبار
فرستنده: علی مشرف و یادداشت پورتال
۲۶ اگست ۲۰۲۱

بنگ!: امارت اسلامی افغانستان دوباره برگشت!



«از دست رفتن» افغانستان برای ایالات متحده ناشی از تغییر موضعگیری است و مأموریت جدید «جنگ علیه تروریسم» نیست ، بلکه جنگ علیه روسیه و چین است.

Wait until the war is over

And we're both a little older

The unknown soldier

Breakfast where the news is read

Television children fed

Unborn living, living, dead

Bullet strikes the helmet's head

And it's all over

For the unknown soldier – The Doors, “The Unknown Soldier”

صبر کن تا جنگ تمام شود
و ما هر دو کمی پیرتر شده ایم.
سرباز گمنام!

خبری که سر میز صبحانه می خوانیم

بچه ها در تلویزیون می بینند.

زنده متولد نشده ، زنده ، مرده.

گلوله به کلاهخود می خورد

و همه چیز به پایان می رسد

به یاد سرباز گمنام-

ترانه ای از گروه "Doors" سرباز ناشناس"

در نهایت ، لحظه سایگون سریعتر از آنچه "کارشناسان" سازمان های جاسوسی غربی انتظار داشتند، فرا رسید. این رویدادی است که در سالنامه ها به ثبت خواهد رسید: چهار روز شلوغ که به شگفت انگیزترین حمله رعد آسای چریکی تاریخ اخیر پایان داد. به شیوه افغانی: یعنی کار اقناعی زیاد ، توافقتنامه های قبیله ئی فراوان ، بدون ستون های تانک و با حداقل خونریزی.

در ۱۲ اگست لحظه موعود فرا رسیده بود: غزنی ، قندهار و هرات تقریباً همزمان فتح شد. در ۱۳ اگست ، طالبان تنها ۵۰ کیلومتر با کابل فاصله داشتند. ۱۴ اگست محاصره "میدان شهر" ، یعنی دروازه کابل آغاز شد.

اسماعیل خان ، شیر پیر افسانه ئی هرات ، قراردادی را برای حفظ جان خود منعقد کرد و توسط طالبان به عنوان یک پیام رسان بلندپایه با این پیام، مبنی بر این که رئیس جمهور "اشرف غنی" باید استعفاء دهد، به کابل فرستاده شد. در غیر این صورت...

روز شنبه طالبان جلال آباد را تسخیر کردند - و از شرق کابل را ، تا مرز افغانستان و پاکستان در تورخم ، دروازه گذر خیبر ، منزوی کردند. شنبه شب ، جنرال "دوستم" با گروهی از پرسنل نظامی از روی پل دوستی در "ترمز" به ازبکستان فرار کرد. فقط تعداد کمی از افراد او پذیرفته شدند. طالبان سپس قصر "دوستم" را که شبیه کاخ "تونی مونتانا" است تصرف کردند.

در سحرگاهان ۱۵ اگست ، دولت کابل فقط دره پنجشیر - دژ طبیعی حفاظت شده در ارتفاعات کوهستانی - و هزاره های پراکنده را در اختیار داشت، که در آن به غیر از "بامیان" ، هیچ چیز در این دره های مرکزی زیبا وجود ندارد. درست ۲۰ سال پیش در "بازرک" بودم تا با شیر پنجشیر ، فرمانده مسعود ، که در حال آماده سازی حمله متقابل... علیه طالبان بود مصاحبه کنم. تاریخ همیشه با یک پیچ و تاب تکرار می شود. این بار ، شواهد بصری در اختیار من قرار گرفت که نشان می داد طالبان - مطابق با اسکرپیت کلاسیک سلول های چریکی - قبلاً در پنجشیر حضور داشتند. و سپس ، صبح روز یکشنبه ، یک تکرار تصویری حیرت انگیز از «لحظه سایگون» انجام گرفت که همه جهان می توانست آن را ببیند: یک هلیکوپتر "شینوک" بر فراز سفارت امریکا در کابل.

جنگ به پایان رسیده

"محمد نعیم" ، سخنگوی طالبان روز یکشنبه اعلام کرد: "جنگ در افغانستان به پایان رسیده است" و افزود که به زودی شکل دولت جدید اعلام خواهد شد.

حقایق موجود در محل بسیار گیج کننده است. مذاکرات از بعد از ظهر یکشنبه بشدت در جریان است. طالبان آماده اعلام رسمی امارت اسلامی افغانستان در نسخه ۲۰ (نسخه ۱۰ از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ بود) بودند. اعلام رسمی قرار بود در کاخ ریاست جمهوری انجام شود.

اما آنچه از تیم "غنی" باقی مانده بود از انتقال قدرت به شورای هماهنگ کننده که به طور واقعی انتقال را آغاز می کرد ، امتناع می نمود. آنچه طالبان می خواهند یک انتقال بی اصطکاک است: آنها اکنون امارت اسلامی افغانستان هستند و پرونده بسته شده است.

"سهیل شاهین" ، سخنگوی طالبان روز دوشنبه نشانه هایی از آمادگی برای سازش نشان داد و گفت دولت جدید اعضای غیر طالبان خواهد بود. وی به یک «دولت موقت» در آینده اشاره کرد که احتمالاً "ملا برادر" ، رهبر سیاسی طالبان و "علی احمد جلالی" ، وزیر کشور سابق که در گذشته برای صدای امریکا نیز کار می کرد ، ریاست آن را بر عهده خواهند داشت.

در نهایت هیچ جنگی برای تسخیر کابل صورت نگرفت. هزاران تن از طالبان قبلاً در کابل بودند - بار دیگر بازی کلاسیک سلول های خفته. اکثر نیروهای مسلح آنها در حومه باقی ماندند. در بیانیه رسمی طالبان، به آنها دستور داده شد که وارد این شهر که قرار بود بدون جنگ گرفته شود، نشوند تا از تلفات غیرنظامیان جلوگیری شود.

طالبان از غرب در حال پیشروی بودند ، اما "پیشروی" در این زمینه به معنای ایجاد ارتباط با سلول های خفته در کابل بود ، که در آن زمان کاملاً فعال بودند. همانطور که یکی از فرماندهان طالبان گفته بود از نظر تاکتیکی ، کابل طی یک حرکت "آناکوندا"ئی از شمال ، جنوب و غرب محاصره شد و با تصرف جلال آباد رابطه اش از شرق قطع گردید.

در هفته گذشته ، گویا یک مقام عالی رتبه سرویس جاسوسی خارجی باید زیرگوشی به اطلاع فرماندهی طالبان رسانده باشد که امریکائی ها برای «تخلیه» خواهند آمد. این مقام می تواند به سرویس مخفی پاکستان یا سرویس مخفی ترکیه تعلق داشته و اردوخان دودوزه بازی معمولی ناتوئی خود را انجام داده باشد.

نه تنها سواره نظام امریکائی برای نجات دیر رسید ، بلکه آنها حتی در تنگنا قرار گرفتند ، بمباران تأسیسات خود در کابل غیرممکن بود. این زمان سنجی نامطلوب، آنگاه که پایگاه نظامی بگرام - والهالای ناتو در افغانستان برای نزدیک به ۲۰ سال - سرانجام توسط طالبان تسخیر شد، تشدید یافت.

این امر باعث شد تا ایالات متحده و ناتو به معنای واقعی کلمه از طالبان التماس کنند که اجازه بدهند هر چیزی که در کابل قابل رؤیت بود - از طریق هوا ، با عجله و به رحمت طالبان - تخلیه کنند. یک تحول ژئوپلیتیکی که باعث دودکشیدن کله انسان می شود.

"غنی" در مقابل "برادر"

فرار شتاب زده غنی "قصه احمقی است که هیچ ارزشی ندارد" - البته بدون دلسوزی شکسپیر. اصل موضوع، دیدار صبح روز یکشنبه بین "حامد کرزی" رئیس جمهور سابق و رقیب همیشگی او "عبدالله عبدالله" بود. آنها به تفصیل در مورد این که چه کسانی را برای مذاکره با طالبان اعزام خواهند کرد ، که در آن زمان نه تنها برای نبرد احتمالی برای تسخیر کابل آماده بودند ، بلکه هفته ها پیش خط قرمز غیرقابل تغییر خود را نیز اعلام کرده بودند بحث کردند: آنها خواهان پایان بخشیدن به دولت کنونی ناتو بودند.

غنی سرانجام نشانه های زمان را تشخیص داد و بدون مراجعه به شرکای احتمالی مذاکره از کاخ ریاست جمهوری ناپدید شد. او با همسرش، رئیس ستادش و مشاور امنیت ملی اش به تاشکند ، پایتخت ازبکستان گریختند. چند ساعت بعد ، طالبان وارد کاخ ریاست جمهوری شدند و عکسهای زیبا، آن طور که استحقاق داشت، ثبت تاریخ شد.

<https://www.aljazeera.com/gallery/2021/8/15/in-pictures-taliban-fighter...>

وقتی از عبدالله عبدالله در مورد فرار غنی پرسیدند او بی پرده اظهار کرد: «او در مقابل خدا پاسخگو خواهد بود» غنی، مردم شناس و دارای دکترای از دانشگاه کلمبیا، از جمله موارد کلاسیک تبعیدی ها از جنوب جنوبی است که در غرب هر چیزی که برای سرزمین اصلی آنها مهم است» فراموش کرده اند.

غنی یک پشتون است که مانند یک نیویورکی متکبر رفتار می کند. یا بدتر، پشتون متکبر، زیرا او اغلب طالبان را، هر چند که اکثریت آنها پشتون هستند لعنت می کرد - از تاجیک ها، از بیک ها و هزاره ها و از جمله بزرگان قبیله ئی آنها که بگذریم.

به نظر می رسد غنی و تیم غرب زده اش از یکی از بزرگترین انسان شناسان ناروی مانند "فردریک بارت" چیزی نیاموخته اند (گزیده ای از مطالعات وی در مورد پشتون ها را می توانید در اینجا پیدا کنید:

<http://newdoc.nccu.edu.tw/teasylabus/113721265905/Barth%20Pathan%20Ide...>

از دیدگاه ژئوپلیتیک اکنون مسأله اینجاست که طالبان چگونه فیلمنامه جدیدی نوشتند که به کشورهای اسلامی و جنوب جهان نشان داد چگونه می توان امپراتوری خود محورین و به ظاهر شکست ناپذیر ایالات متحده / ناتو را شکست داد. خلاف ویتنام، که از طرف چین و اتحاد جماهیر شوروی حمایت می شد، طالبان توانستند با ایمان اسلامی الهام بخش، صبر و اراده بی حد و حصر، ۷۸۰۰۰ جنگجو که ۶۰۰۰۰ نفر از آنها فعال بودند و بسیاری از آنها دارای حداقل آموزش نظامی بودند و هیچ کشوری از آنها پشتیبانی نمی کرد، در این جنگ پیروز شوند.*

تکیه آنها قبل از این که در روزهای اخیر تجهیزات امریکائی از جمله هواپیماهای بدون سرنشین و هلیکوپتر را غارت کنند نه به صدها میلیارد دلار از ناتو، نه ارتش آموزش دیده، نه نیروی هوایی و نه فناوری پیشرفته بلکه فقط به کلاشینکف، بازوکا و وانت تویوتا بود.

"ملا برادر" رهبر طالبان تاکنون بسیار محتاط رفتار کرده است. وی روز دوشنبه گفت: «هنوز زود است که بگوئیم چگونه کار دولت را در دست خواهیم گرفت». اول از همه، طالبان می خواهند که «نیروهای خارجی قبل از آغاز تجدید ساختارها کشور را ترک کنند».

"عبدالغنی برادر" شخصیت بسیار جالبی است. وی در قندهار متولد و بزرگ شده است. در آنجا طالبان تقریباً بدون جنگ در سال ۱۹۹۴ شهر را فتح کردند و سپس تقریباً ۲۵ سال پیش، در ۲۷ سپتمبر ۱۹۹۶، کابل را فتح کردند، مجهز به تانک، سلاح های سنگین و پول زیادی برای رشوه دادن به فرماندهان محلی.

"ملا برادر" پیش از این در دهه ۱۹۸۰ در جهاد علیه اتحاد جماهیر شوروی جنگیده بود، احتمالاً در کنار ملا عمر، که از بنیانگذار طالبان بود. - ولی هنوز تأیید نشده است.

پس از بمباران و اشغال امریکا پس از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، "ملا برادر" و گروه کوچکی از طالبان پیشنهادی را به حامد کرزی رئیس جمهور وقت برای توافق احتمالی ارائه کردند که به طالبان اجازه می داد رژیم جدید را به رسمیت بشناسند. کرزی تحت فشار واشنگتن این پیشنهاد را رد کرد.

"برادر" در سال ۲۰۱۰ در پاکستان دستگیر و زندانی شد. شاید باور نکنید، مداخله امریکا منجر به آزادی وی در سال ۲۰۱۸ گردید. او سپس به قطر رفت. در آنجا او به ریاست دفتر سیاسی طالبان منصوب شد و سال گذشته بر امضای توافقنامه خروج امریکا از افغانستان نظارت داشت.

"برادر" حاکم جدید در کابل خواهد بود - اما مهم است بدانید که وی از سال ۲۰۱۶ تابع رهبر عالی طالبان، "هیبت الله آخوندزاده" است. او در مقام معظم رهبری - در واقع یک رهبر معنوی - بر تجسم جدید امارت اسلامی افغانستان حکومت خواهد کرد.

احتیاط در مقابل ارتش چریکی روستانی

فروپاشی ارتش ملی افغانستان اجتناب ناپذیر بود. این ارتش به سبک ارتش امریکا «آموزش داده شد»: فناوری عظیم ، نیروی هوایی عظیم ، بدون تقریباً هیچ اطلاعاتی از محل.

برای طالبان در درجه اول توافقات با بزرگان قبیله و روابط خانوادگی گسترده - و با یک رویکرد چریکی دهقانی - اهمیت دارد که می‌توان آن را با رویکرد کمونیست های ویتنام مقایسه کرد. آنها سالها منتظر زمان مناسب به ایجاد ارتباطات و تشکیل این سلولهای چریکی خفته مشغول بودند.

نیروهای افغان که ماه ها هیچ پولی دریافت نکرده بودند ، حقوق می گرفتند تا با آنها نجنگند و این واقعیت که آنها از فیبروری ۲۰۲۰ به نیروهای امریکائی دیگر حمله نکردند ، احترام بیشتری را برای آنها به ارمغان آورد که در قانون پشتون در رابطه با مسأله افتخار خیلی مهم است.

درک طالبان - و به ویژه دنیای پشتون - بدون شناخت "پشتون والی" غیرممکن است. در کنار مفاهیم افتخار ، مهمان نوازی و انتقام اجتناب ناپذیر برای هرگونه تخلف ، مفهوم آزادی بیانگر این است که هیچ پشتونی تمایل ندارد از سوی یک مرجع مرکزی دولتی - در این مورد کابل ، فرماندهی شود و آنها هرگز سلاح های خود را تسلیم نمی کنند.

به طور خلاصه ، این "راز" پیروزی رعدآسای آنها با حداقل خونریزی در زلزله همه جانبه ژئوپلیتیک نهفته است. پس از ویتنام ، این دومین قهرمان جنوب جنوبی است که به تمام جهان نشان می دهد چگونه می توان یک امپراتوری را با ارتش چریکی دهقانی شکست داد.

و همه اینها با بودجه ای که به سختی بیش از ۱،۵ میلیارد دالر در سال بود - حاصل از مالیات های محلی، سود حاصل از صادرات تریاک (بدون توزیع داخلی مجاز) و سفته بازی در اموال - در بخشهای وسیعی از افغانستان ، طالبان قبلاً مسئول امنیت محلی ، دادگاههای محلی و حتی توزیع غذا بودند.

کیفیت طالبان ۲۰۲۱ کاملاً متفاوت از کیفیت طالبان ۲۰۰۱ است. آنها نه تنها از بوته آزمایش جنگ عبور کرده اند ، بلکه زمان زیادی نیز برای تکمیل مهارت های دیپلماتیک خود در اختیار داشته اند ، که اخیراً در دوحه و در سفرهای سطح بالا به تهران ، مسکو و تیانجین به خوبی به نمایش گذارده شد.

آنها همانطور که همکاران آنها در سازمان همکاری شانگهای (SCO) به صراحت تأکید کردند بخوبی می دانند که هر گونه ارتباط با بقایای القاعده ، داعش ، داعش-خراسان و تروریستهای اویغوری مخرب است.

به هر حال دستیابی به وحدت داخلی بسیار دشوار خواهد بود. شبکه قبیله ئی افغانستان یک پازل است که بسختی می‌توان آن را شکست. چیزی که طالبان می توانند واقعاً به آن دست یابند ، یک کنفدراسیون سست از اقوام و گروه های قومی زیر نظر امیر طالبان، همراه با مدیریت بسیار دقیق روابط اجتماعی است.

برداشت‌های اولیه مبین افزایش بلوغ سیاسی طالبان است. طالبان اعلام کردند که کارمندان افغان اشغالگران ناتوئی را مورد عفو قرار می دهند و در فعالیت شرکت ها دخالت نخواهند کرد و در پی انتقام جوئی نخواهند بود. کابل دوباره به کار مشغول شده. ظاهراً هیچ هیستری تودمئی در پایتخت وجود ندارد: این کار تنها منحصر رسانه های عمده باب روز انگلیس-امریکائی بوده است. سفارتخانه های روسیه و چین کماکان به کار خود ادامه می دهند.

"ضمیر کابلوف" ، فرستاده ویژه کرملین در افغانستان ، تأیید کرد که اوضاع در کابل به طرز شگفت انگیزی "کاملاً آرام" است - هرچند که تکرار کرد: "ما برای به رسمیت شناختن [طالبان] عجله ای نداریم. ما منتظر خواهیم ماند و خواهیم دید که رژیم چگونه رفتار خواهد کرد".

محور جدید شرارت

"تونی بلینکن" شاید دوست داشته باشد که بگوید «ما به یک دلیل در افغانستان بودیم و آن برخورد با افرادی که در ۱۱ سپتمبر به ما حمله کردند بود»

آقای آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا!، هر تحلیلگر جدی می داند که هدف «اولیه» ژئوپلیتیکی بمباران و اشغال افغانستان در تقریباً ۲۰ سال پیش، ایجاد یک پایگاه مهم در نقطه تقاطع ستراتیژیک آسیای مرکزی و جنوبی برای امپراتوری بود که بعداً با اشغال عراق در جنوب غربی همراه شد.

اکنون آنها می خواهند که «از دست دادن» افغانستان به عنوان تغییر و تجدید موضعگیری تفسیر شود. این طرح با ساختار جدید ژئوپلیتیک مطابقت دارد، که در آن مهمترین وظیفه پنتاگون دیگر "جنگ علیه تروریسم" نیست، بلکه تلاش برای منزوی کردن روسیه و آزار و اذیت چین به هر طریق در ساختمان و گسترش جاده ابریشم جدید است. اشغال کشورهای کوچکتر دیگر در اولویت قرار ندارد. امپراتوری هرج و مرج می تواند هر وقت که بخواهد از پایگاه CENTCOM خود در قطر هرج و مرج را برانگیزد - و بمبارانهای مختلف را زیر نظر داشته باشد.

ایران در آستانه پیوستن به سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک عضو کامل است، که نقطه عطف دیگری در این بازی می باشد. حتی قبل از تأسیس امارت اسلامی، طالبان با دقت روابط مهم خود را با مهمترین بازیگران اوراسیا - روسیه، چین، پاکستان، ایران و کشورهای آسیای میانه تقویت کردند. کشورهای آسیای مرکزی تحت حمایت کامل روسیه هستند. بيجینگ در حال برنامه ریزی برای یک معامله گسترده عناصر کمیاب زمین با طالبان است.

در جبهه آتلانتیک، سرزنش بی وقفه از خود برای همیشه Beltway (محل توطئه گران واشنگتنی) رامشغول خواهد داشت. دو دهه از زمان، ۲ تریلیون دالر، یک جنگ ابدی با هرج و مرج، مرگ و ویرانی، یک افغانستان هنوز ویران، یک عقب نشینی به معنای واقعی کلمه در نیمه شب - برای چه؟ استادان تجارت اسلحه تنها "برندگان" این فاجعه بودند.

اما هر اقدام امریکائی نیاز به یک قربانی دارد. ناتو بتازگی توسط تعدادی بزچران در قبرستان امپراتوری ها تحقیر شد. چی چیز دیگری جز تبلیغات باقی مانده است؟

بنابراین بز عزازیل جدید انتخاب شد و آن محور جدید شرارت است، که از محور طالبان-پاکستان-چین تشکیل می شود. بازی بزرگ جدید اوراسیا از نو آغاز شده است.

تارنگاشت عدالت

دوشنبه، ۰۱ شهریور [سنبله] ۱۴۰۰

برگرفته از: لینکه تسایتونگ

منتشر شده در تاریخ:

۲۱ اگست ۲۰۲۱

یادداشت:

نگاشته حاضر یک بار دیگر نشان می دهد که نخبگان برگزیده و تحلیل گران برجسته جغرفیای سیاسی جهانی، علی رغم تبحرشان در تحلیل از اوضاع جهانی، در شناخت از افغانستان و روند تکامل اجتماعی این کشور، درکی بیشتر از یک بچه مدرسه بی خبر از همه جا ندارند.

این حالت زمانی خاصیت افراطی به خود می گیرد که طرف به مانند نویسنده مقاله حاضر مبارزه ضد امپریالیستی را به مبارزه ضد امریکا تقلیل و محدود سازد، در چنین صورتی شکست ظاهری امپریالیسم امریکا آنها را چنان نوق زده

می‌سازد، که نمی‌توانند جای پای آمریکا را در کل روند تعقیب نموده، استحاله قدرت به وسیله امپریالیسم آمریکا در یکی از مستعمراتش را با خلعت جدید ببینند.

نمونه بارز چنین طرز دیدی مقاله حاضر است که علی رغم تحلیل های درخشان جغرافیای سیاسی منطقه در کل، قادر نیست پیوند و ارتباط طالب را با امپریالیسم آمریکا، انگلیس، ارتجاع عرب و پاکستان دیده، نقش آنها را در تولد نامیمون اولش و کمک چند جانبه آنها را از دادن تسلیحات پیشرفته گرفته تا خریداری ارتش دولت پوشالی به نفع طالب ببیند. چنین نویسندگانی در حالی که قادر اند "دودزه بازی" یا برخورد های "فریکارانۀ اردوخان" را بوضاحت ببینند، مگر قادر نیستند چنین بازرئی را از جانب آمریکا و پاکستان درک نمایند. آنها نمی‌توانند درک نمایند، وقتی آمریکا از آغاز خروج نیروهایش از افغانستان، بیشترین سلاح را به دولت پاکستان گذاشت، چه هدفی را دنبال می‌کرد و به وسیله آن سلاح کدام نیروئی مسلح گردید! آنها نمی‌توانند ببینند که طالب چگونه با همان سلاح مجهز گردید، آنها نمی‌توانند ببینند که آمریکا چگونه قوای هوایی دولت پوشالی را با نرساندن سوخت و ندادن مهمات به آهن پاره مبدل نمود! آنها نمی‌توانند ببینند که ارتش آمریکا ساخته، چگونه از طرف امریکائی ها فرمان داده می‌شود تا مقاومت نکنند و درب را بر روی حاکمیت طالب در افغانستان و داعش در عراق بگشایند.

خوانندگان گرامی!

پورتال همیشه تذکار داده است که نگاشته های دانشمندان خارجی را فقط می‌باید از منظر غنای متن مورد مذاقه قرار داد نه از لحاظ قضاوت های آنها.

یادداشت پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"